

طرح بحثی کوتاه درباره «جمهوری خواهان ایران و گرایشات درونی موجود در میان آنها»

اکبر سیف



در نظام جمهوری پیروان همه ادیان و مذاهب و نیز بی دینان و خدانا باوران، از حقوق یکسانی برخوردارند. تغییر عقیده و دین و مسلک آزاد است و با هیچ مانعی روبرو نمی باشد.

جمهوری خواهان ایران و گرایشات درونی موجود در میان آنها، در نظام جمهوری پیروان همه ادیان و مذاهب و نیز بی دینان و خدانا باوران، از حقوق یکسانی برخوردارند. تغییر عقیده و دین و مسلک آزاد است و با هیچ مانعی روبرو نمی باشد.

یکم - درمیهن ما ایران، مثل دیگر نقاط جهان، گرایشات سیاسی مختلف و گاه متضاد، خود را با جمهوری و جمهوری خواهی تعریف می کنند. چنین است که جمهوری ایران، جمهوری دموکراتیک، جمهوری دموکراتیک ولایتی، جمهوری دموکراتیک و سکولار، جمهوری عرفی، جمهوری فدرال، جمهوری سوسیالیستی، جمهوری دموکراتیک خلق، جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی دو، جمهوری دموکراتیک اسلامی در ادبیات سیاسی ایران مطرح شده اند. هر یک از این فورمولبندی ها از پیشینه تاریخی معینی برخوردارند و طرفداران آنها، به این یا آن صورت و تحت نام های مختلف، خود را سازمان داده اند.

اما جمهوری چیست و از آن چی می فهمیم؟

جمهوری فقط شکل نیست، فقط شعار نیست و از مضمون معین و شناخته شده ای برخوردار است.

«جمهوری» در واقع نظام سیاسی معینی است که با حاکمیت مردم بر مردم مشخص می شود. در جمهوری همه مقامات و مسئولیت ها انتخابی اند و مردم به عنوان شهروندانی برابر حقوق، از طریق انتخاب نمایندگان خود برای دوره زمانی معینی، در جریان انتخاباتی آزاد و دموکراتیک، مقامات و مسئولین را انتخاب می کنند. آنان، از طریق مکانیسم های قانونی و دموکراتیک، فعالیت انتخاب شدگان را کنترل و در صورت لزوم آنان را ازاریکه قدرت پایین کشیده و با نماینده یا نمایندگان جدید

جایگزین می کنند.

در نظام سیاسی جمهوری، قوای سه گانه قانون گذاری و قضائی و اجرائی از یکدیگر جدا هستند؛ آزادی احزاب سیاسی و سندیکا ها و مطبوعات و دیگر رسانه ها و نهادهای مدنی بر مبنای قانون تامین می باشد و دولت جمهوری موظف به تضمین آن می باشد.

در نظام جمهوری پیروان همه ادیان و مذاهب، و نیز بی دینان و خدانا باوران، از حقوق یکسانی برخوردارند. تغییر عقیده و دین و مسلک آزاد است و با هیچ مانعی روبرو نمی باشد. پیروان همه ادیان، اعم از اینکه در اکثریت باشند یا در اقلیت، آزادند در چارچوب قانون به هر شکلی که خود صلاح می دانند مناسک خویش را بجا آورند.

جمهوری در ارتباط نزدیک با قانون و قانون گرائی، دموکراسی، حقوق بشر و جدائی دین از دولت (در مفهوم دقیق آن که در برگیرنده هر سه قوه است) قرار دارد.

به این ترتیب است که نظام جمهوری در نقطه مقابل با تمامی نظام های سیاسی موروثی، اعم از سلطنتی یا غیر سلطنتی، دینی و مسلکی قرار دارد.

جمهوری از پشته‌وانه تاریخی و تجربی طولانی و شناخته شده ای برخوردار است؛ بطور مداوم خود را اصلاح کرده است و نمونه های موفق و ناموفقی را تا به امروز از سر گذرانده است. جمهوری به عنوان مدرن ترین سیستم سیاسی مدیریت جامعه شناخته شده و مهر و نشان خود را بر تاریخ بشریت زده است. اگر قرار بر این باشد که بر مبنای این پشته‌وانه تاریخی و تجربه های موفق به انتخاب اقدام کنیم آنگاه، فارغ از نام و نشان های موجود، باید به محتوا و مضمون پروژه های سیاسی مستتر زیر این عناوین پرداخت. چنین است که به صرف پذیرش جمهوری به مفهوم سیستمی سیاسی، و نه اقتصادی - اجتماعی، به صرف پذیرش جدائی قطعی دین و مسلک و ایده ثلوثی از دولت، به صرف پذیرش برابر حقوقی شهروندان فارغ از تمایزات جنسی و قومی - ملی و تعلقات دینی و مذهبی مسلکی شان، به صرف پذیرش انتخابی بودن همه مقامات و پذیرش دموکراسی و اعلامیه حقوق بشر، تنها نشان جمهوری خواهی برای بخشی از این گرایشات باقی می ماند. (نظیر رژیم های سیاسی حاکم در سوریه کره شمالی و ایران و شوروی سابق و نظایر آن).

به عبارت روشن، تا آنجا که به بحث مربوط به جمهوری خواهان ایران و طیف بندی درونی آنها برمی گردد، طرفداران جمهوری اسلامی و طرفداران

جمهوری دموکراتیک اسلامی و طرفداران جمهوری اسلامی دو، با وجود همه تفاوت های درونیشان که گاه مهم می باشند و برخوردهای متفاوتی را ایجاب می کنند، در یک سو قرار می گیرند؛ طرفداران جمهوری سوسیالیستی و جمهوری دموکراتیک خلق و همه آنها که در پی تلفیق مسلک و ایده ثلوی با دولت هستند در سوی دیگر قرار می گیرند. در این دوسویه، آن بخش از شهروندان متعلق به دین و مذهب و یا مسلک و ایدئولوژی مرتبط با دولت، به اشکال مختلف از امتیازات ویژه ای برخوردار می گردند؛ تبعیض میان شهروندان به صورت های مختلف اعمال می گردد و درجه بندی شهروندان بنا بر تمایزات عقدتی و مسلکیشان بدل به امری عادی می گردد. این دودسته، با تمامی تفاوت های اساسی موجود در میان آنها، موضوع بحث ما در اینجا نمی باشند. بحث ما بر سر طرفداران جمهوری ایران بماند به نظام سیاسی ای که طی چند سطر پیش و به اختصار، مشخصات اصلی آن بر شمرده شد متمرکز می باشد.

دوم- در نگاه رودر رو به جمهوری خواهان ایران و طیف بندی درونی آنها، در وقت موجود، ملاحظات زیر را می توان مطرح کرد:

واقعیت این است که حضور حاکمیت دینی در ایران که با سرکوب به شدت خشن و قرون وسطائی همه دگراندیشان و مخالفین نظام توأم بوده و می باشد هزینه فعالیت سیاسی مخالفین نظام را به شدت بالا برده و دست و بال جمهوری خواهان را نیز، مثل سایر مخالفین نظام، به شدت بسته است و امکان فعالیت آزاد و علنی را سلب نموده است. چنین است که ارائه برآورد دقیق از موقعیت و طیف بندی جمهوری خواهان حاضر در ایران دشوار است. به همین خاطر بحث ما به محدوده خارج از کشور و تشکل های جمهوری خواهی شکل گرفته در تبعید محدود می گردد.

موضوع مرکزی مورد اختلاف در میان جمهوری خواهان ایران در خارج کشور به امر ضرورت گذار از جمهوری اسلامی به جمهوری ایران و چگونگی آن برمی گردد. بخشی از آنان جمهوری اسلامی را اصلاح پذیر و بخشی دیگر اصلاح ناپذیر تلقی می کنند؛ یکی سیاست تعرضی علیه نظام دینی حاکم پیش می گیرد و دیگری سیاستی ملایم که گاه تا همراهی با آن یا دنباله روی از بخشی از آن امتداد می یابد. و به این ترتیب به دو سیاست متفاوت در برخورد به رژیم ج ا و جناح بندی های درونی نظام ره می برند.

انجمن جمهوری خواهان ایران - پاریس، بنا بر منشور سیاسی آن به آن گرایشی از جمهوری خواهان ایران تعلق دارد که ضرورت گذار قطعی از جمهوری اسلامی به جمهوری پارلمانی در ایران را مطرح می سازند. انجمن ما به طور روشن و واضح مدافع و مروج گذار خشونت پرهیز از جمهوری

اسلامی است.

انجمن ما از لحاظ روش کار و سازماندهی از تشکیل انجمن های جمهوری خواهی محلی و هماهنگ کردن فعالیت های آنها در سطح اروپا و آمریکا، در روابطی دموکراتیک و افقی دفاع می کند. برای مبنا انجمن ما تاسیس شده و در این راستا و به قصد گسترش و هماهنگ کردن فعالیت جمهوری خواهان در خارج تلاش می ورزد.

تا آنجا که به مواضع و رفتار سیاسی تشکل های موجود جمهوری خواهی برمی گردد نزدیک ترین جریانات جمهوری خواه به انجمن عبارتند از: انجمن های جمهوری خواهی محلی در هر آنجایی که تشکیل شده اند بویژه در آمریکا و اروپا، سازمان همبستگی برای جمهوری عرفی و حقوق بشر در ایران، اتحاد جمهوری خواهان ایران، جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران.

فعالیت های حقوق بشری در فعالیت انجمن ما نقش خاصی داشته و دارد. به همین خاطر انجمن رابطه بسیار نزدیک با تمامی انجمن ها و کانون ها و فعالین حقوق بشری داشته و دارد.

در بحث آلترناتیو جمهوری اسلامی باید توجه داشت که این آلترناتیو نه در خارج بلکه در اساس خویش در ایران و در جریان جنبش مردم در ایران و با تکیه بر مردم است که شکل می گیرد. به این ترتیب انجمن ما هیچ مناسباتی با کوشش های محافظی که به این یا آن شکل در پی آلترناتیو سازی در خارج هستند نداشته و ندارد.

جمهور خواهان متشکل در خارج از کشور بخش بسیار ناچیزی از شهروندان ایرنی طرفدار جمهوری رادر خود جای داده اند. همین بخش های متشکل نیز تاکنون از برقراری روابط موثر و مستمر با یکدیگر تا حدود زیادی ناتوان مانده اند.

مسئله مهم دیگر گسست رابطه ای است که میان نسل های مختلف جمهوری خواهان در تبعید به چشم می خورد. پروژه جمهوری خواهی در انحصار هیچ تشکل و فردی نیست. جمهوری خواهان متعلق به نسل های مختلف نتوانسته اند تا کنون همدیگر را بازیافته و حول پروژه واحد خویش به گفت و گو و تبادل نظر و سپس هماهنگ کردن فعالیت های سیاسی شان اقدام ورزند. چاره جوئی برای این مسئله امری عاجل است. انجمن ما می تواند در محدوده فعالیت خویش مبتکر این روند باشد و در سامان بخشی و انتظام تلاش ها و روابط پراکنده و اتفاقی موجود سهم ایفا کند.

پر واضح است که انجمن های جمهوری خواهی نه ایئولوژی محور هستند و نه شخصیت محور. آنها حول پروژه سیاسی جمهوری خواهی برای ایران که با ضرورت گذار از جمهوری اسلامی پیوند می خورد، گرد آمده اند. بنابراین هم سوسیالیست ها و هم دین باوران و بی دینان، وهم لیبرال ها درکنار هم می توانند حضور داشته باشند.

ب

کوشیم تا به سهم خویش در پا گرفتن بیشتر انجمن های جمهوری خواهی در اروپا و آمریکا، در برقراری رابطه مستمر و مؤثر میان جمهوری خواهان، در برقراری رابطه گسترده میان نسل های مختلف جمهوری خواهان در تبعید و دربرآمد سیاسی مؤثر جمهوری خواهان در خارج از کشور و رواج گفتمان جمهوری خواهی در مقابل گفتمان های دیگر مؤثر باشیم.*

دو شنبه ۱۶ مارس ۲۰۱۵

* به نظر من بحث در باره اصلاح طلبان مذهبی و نیز دیگر جریان های سیاسی - مذهبی که خود را با هویت دینی یا مذهبی، اعم از شیعه یا سنی، توضیح می دهند؛ چه آنها که درکادر نظام و برای اصلاح آن می کوشند نظیر حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب کارگزاران، و چه آنها که برای جایگزینی نظام تلاش می ورزند نظیر طرفداران نشریه انقلاب اسلامی و مجامع اسلامی ایرانیان و مجاهدین خلق ایران؛ و چه آنان که در میان این دو گرایش هستند نظیر طیف جریان های موسوم به ملی- مذهبی ها، بحث جداگانه ای طلب می کند. به نظر چنین می رسد که همه اینها به این یا آن صورت از جمهوری اسلامی دوئی که با جمهوری اسلامی کنونی تفاوت هائیکه گاه جدی و اساسی دارد، طرفداری می کنند. به نظر چنین می رسد که فاصله و یا تقابلی که اینان با جمهوری اسلامی گرفته اند و گاه تا اعلام پذیرش جدائی دین از دولت و اعلامیه جهانی حقوق بشر پیش می رود این خود بسیار مهم است اما آنجا که به مصادیق آن در ایران مربوط می شود هنوز تا برابر حقوق کامل همه شهروندان، که تعلق خاطر به مذهب شیعه امتیاز خاصی در بر نداشته باشد، که دین رسمی وجود نداشته باشد و قانون گذاری و قضاوت (دو قوه مقننه و قضائیه) و نیز نظام آموزشی و پرورشی کشور مطلقاً متأثر از قوانین شریعت شیعه نباشند انکشاف و گسترش نیافته است. اینکه دین اسلام و بطور مشخص مذهب شیعه در کشور ما از تاریخی طولانی برخوردار است، اینکه جامعه ما جامعه ای است مذهبی و شیعه مذهبان اکثریت جامعه را تشکیل می دهند و مسائلی نظیر آن، از جمله عواملی هستند که این جریان های در توجیه مواضع و رفتار سیاسی خویش به این یا آن صورت ابراز کرده و می کنند. توجه به تحولات نظری و سیاسی جریان های دین باور و اشتراکات این جریان های سیاسی با جمهوری خواهان ایران، بخصوص از این لحاظ اهمیت دارد که روند تفکیک دین و دولت در ایران و استقرار دموکراسی در میهن ما، به دلایل مختلف روندی بغرنج و پیچیده است و از مسیری دشوار عبور می کند. و در این روند، چنین به نظر می رسد که دو نیروی عمده دموکرات های سکولار و لائیک از یکسو و دین باوران سکولار و لائیک از سوی دیگر، در همراهی با دیگر نیروها و افشار ترقی خواه کشور، نقش روزافزونی می توانند ایفا کنند.